

بررسی مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در مطبوعات عصر قاجار (با تأکید بر نشریه نامه بانوان)

محسن بهشتی سرشت^۱، محسن پرویش^{۲*}

چکیده

دوران قاجار آغاز فصل جدیدی در باب حیات زن ایرانی بود، زیرا در نتیجه رشد فکری جامعه در دوران قاجار، زن ایرانی بیش از پیش به عرصه اجتماع وارد و نقش او در امور اجتماعی و سیاسی نمایان شد. گفتمان مشروطه و تحول جامعه و آزادی‌های ناشی از آن، فرصت و امکانات لازم را در اختیار زنان قرار داد تا دیدگاه‌های خود را علناً مطرح کنند و به اشکال مختلف در جهت تحقق آن بکوشند. از ابزارهای مهم آن‌ها برای نیل به این هدف‌ها، انتشار روزنامه‌های زنانه و ایجاد انجمن‌های اجتماعی-سیاسی بود. یکی از مدافعان حقوق زنان در اواخر دوره قاجاریه شهناز آزاد (رشدیه) بود. وی با تأسیس نشریه نامه بانوان به دنبال بیداری و آگاه کردن زنان از حقوق و جایگاه خود بود. این روزنامه به چاپ مقاله‌هایی می‌پرداخت که فقط به قلم زنان نوشته شده بود و بحث اصلی آن تعلیم و تربیت دختران و زنان ایران و اصلاح تفکر عدم حضور زن در اجتماع بود. این پژوهش درصدد است مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان را از دیدگاه نشریه نامه بانوان و شخص شهناز آزاد بررسی کند.

کلیدواژگان

تعلیم و تربیت، حقوق زنان، روزنامه، شهناز آزاد، مطالبات اجتماعی و فرهنگی.

۱. دانشیار و عضو هیئت‌علمی گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین Mohsen.parvish@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۲۱

مقدمه

با نگاهی کلی به روند مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی معلوم می‌شود که مسئله حضور زنان در این عرصه‌ها چندان سابقه ندارد و به تاریخ معاصر مربوط می‌شود. زنان در دوره‌های مختلف تاریخی هیچ‌گونه حرکتی برای احقاق حقوق خود انجام ندادند، اما در دوره قاجار می‌بینیم که یکباره شرایط تغییر می‌کند و زنان فرمان‌بردار به جنبش‌درمی‌آیند و کم‌کم خواستار حق و حقوق خود می‌شوند. زنانی که در هر موقعیتی سکوت می‌کردند و اجازه صحبت کردن نداشتند، به یکباره روزنامه منتشر کردند، انجمن‌ها و سازمان‌هایی را تشکیل دادند و حتی خواستار حق رأی برای خود شدند. آن‌ها با تلاش‌های فراوان توانستند تا حدود زیادی به اهداف خود دست یابند. یکی از عمده راهکارهای زنان در راه بیداری افکار عمومی و به‌خصوص زنان عصر قاجار استفاده از رسانه‌های جمعی در راستای این هدف بود. با نگاهی به نشریات زنان این عصر می‌توان به‌خوبی دریافت که آگاه کردن زنان با حقوق حقه خود، بیداری و احیای حیثیت آن‌ها از وظایف مهم این نشریات بوده است. از زنانی که برای این هدف کوشید و در راه رسیدن به آن سختی‌های فراوانی را تحمل کرد، شهناز آزاد است. محور اصلی این مقاله بر یافته‌هایی استوار است که از پاسخ به این پرسش‌ها به‌دست آمده‌اند: ۱. مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان از دیدگاه شهناز آزاد در دوره مورد نظر چه بوده است؟ ۲. مطبوعات و انجمن‌های زنان، به‌ویژه *نامه بانوان*، چه نقشی در بیداری زن ایرانی ایفا کرده‌اند؟

مروری بر وضعیت زنان در دوران قاجار

با سیر کلی در تاریخ ایران می‌توان نتیجه گرفت که از پایان دوره صفویه تا اواسط قاجاریه عملاً هیچ تلاشی برای ایجاد تحول در ساختار فرهنگی کشور صورت نگرفت، اما جامعه ایران در عصر قاجاریه، در سایه تحولات نوین جهانی، دچار مرحله جدیدی از تغییرات سیاسی و اجتماعی شد که با دوران ماقبل آن تفاوت زیادی داشت. سیاست‌های اعمالی حکومت قاجاری باعث شده بود زنان در حوزه اجتماعی جایگاه خوبی نداشته باشند [۲؛ ۵]. روزنامه تمدن در شماره ۱۲ خود در باب محدودیت‌های زنان مقاله‌ای به چاپ می‌رساند که از زبان یکی از زنان می‌نویسد:

ما را از پنج‌سالگی به مکتب می‌گذاشتند؛ آن هم نه همه دختران را، بلکه ندرتاً. نه‌ساله که می‌شدیم از مکتب بیرونمان می‌آوردند. اگر کتاب می‌توانستیم بخوانیم یا خط می‌توانستیم بنویسیم، پدران عزیزمان با کمال تغییر کتاب و قلم را از دستمان گرفته، پاره کرده و شکسته و به دور می‌انداختند که چه معنی دارد دختر خط داشته باشد [۱۳، ص ۱].

همچنین، ملک‌زاده در مورد وضع اسفناک زنان این دوره می‌نویسد:

اگر مردم در ایران استبدادی از حقوق بشریت محروم بودند، زن‌های ایرانی از مزایا و امتیازات حیوانات اهلی بی‌نصیب بوده‌اند... [۸، ص ۱۷۸].

از اواخر دوره ناصری، اعتراضات زنان و حرکت‌های مخالف تصمیمات سیاسی کارگزاران حکومتی شکل می‌گیرد. همین امر مسبب حضور و مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در کنار مردان شد. کم‌کم موج طرفداری از حقوق زنان در انجمن‌ها و نشریات بالا می‌گیرد. میرزا ملکم‌خان در دفاع از حقوق زنان می‌نویسد:

نصف هر ملت مرکب است از زن. هیچ طرح ملی پیش نمی‌رود مگر به معاونت زن‌ها. وجود آن‌ها را در هر مقامی باید محترم داشت [۹، ص ۳].

با آشنایی ایرانیان با اندیشه‌های جدید و ورود مطبوعات به کشور تغییراتی در نگرش برخی از افراد به زنان ایجاد شد. برخی از زنان متوجه حقوق خود شدند و سعی در تغییر وضعیت خود و جامعه خود داشتند. اوج این تغییر را می‌توان در نهضت مشروطه مشاهده کرد. در نهضت مشروطه، زنان زیادی به فعالیت پرداختند که مبارزه آنان گاهی به صورت مسلحانه و گاه به صورت حمایت مالی بوده است؛ مثلاً، هنگام تأسیس بانک ملی، زنان تلاش‌های بسیاری از خود نشان دادند.

زنان گفت‌وگو از فروش گوشواره و گردنبند به میان می‌آوردند. روزی پای منبر سیدجمال واعظ در مسجد میرزا موسی، زنی به پاخاسته چنین گفت: «دولت ایران چرا از خارجه قرض می‌کند؟ مگر ما مرده‌ایم؟ من یک زن رختشوی هستم. به سهم خود یک تومان می‌دهم. دیگر زن‌ها نیز حاضرند» [۷، ص ۱۸۰].

دوره مشروطه دروازه‌ای برای آگاهی و آمادگی جنبش زنان در ایران بود. این دوره نقش اساسی در بیداری زنان داشته است. همان‌گونه که مردان در این دوره بر اثر عواملی چون تأسیس مدارس، روزنامه‌ها، انجمن‌ها، جنبش‌های فکری و... از دیدگاهی نو به حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود نگریستند، زنان نیز تحت تأثیر عوامل مذکور در جنبش‌ها و نهضت‌ها نقش مؤثری ایفا کردند. از جمله این زنان می‌توان به شهناز آزاد اشاره داشت که برای بیداری و آگاهی زن ایرانی تلاش زیادی از خود نشان داد.

فعالیت‌ها و گرایش‌های شهناز آزاد

قبل از اینکه به فعالیت‌ها و اقدامات شهناز آزاد بپردازیم، باید ذکر کنیم که وی تحت تأثیر پدرش، میرزا حسن رشدیه، و همسرش، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای، قرار گرفت. رشدیه به خواندن روزنامه‌هایی که در این دوره منتشر می‌شد بسیار شایق بود و آن‌ها را مکرر می‌خواند و با اوضاع جهان کم‌وبیش آشنا می‌شد و فکرهای تازه‌ای از مغزش می‌گذشت. از این‌رو، این آگاهی به فرزندان و به‌خصوص شهناز هم انتقال پیدا می‌کرد. رشدیه توانسته بود با انتشار روزنامه مطالبی را به اطلاع مردم برساند و مغز آن‌ها را با افکار تازه‌ای آشنا کند. هرچه فشار دولتیان بر مردم زیادتر می‌شد، بیشتر به فکر آزادی می‌افتادند و بازار رشدیه و همکارانش گرم‌تر می‌شد [۴، ص ۱۴۸]. در سال ۱۳۲۱ قمری، در قسمت مجزای خانه خود، مدرسه «پرورش» دختران به مدیریت طوبی رشدیه، تأسیس شد و مورد

استقبال قرار گرفت. همچنین، مدارس دیگری تحت تأثیر رشدیه به نام دبستان «ستاره» و کودکانستان «شهناز» دایر شد که به همت شهناز رشدیه تأسیس شد [۴، ص ۱۴۹].

شهناز رشدیه (شهناز آزاد) (۱۲۸۰-۱۳۴۰) روزنامه نگار و یکی از پیشگامان جنبش زنان در ایران بود. او سردبیری *نامه بانوان* را برعهده داشت. شهناز در خانواده‌ای فرهنگی و طبقه متوسط رو به بالا از اهالی تبریز زاده شد. پدرش، حاج میرزا حسن رشدیه، مردی تحصیل کرده و مدرسه‌ساز بود. او را پدر فرهنگ جدید ایران نامیده‌اند. در جوانی با ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای [۱، ص ۳۰-۱] ازدواج کرد که روزنامه‌نگار بود. خود نیز در ۱۲۹۹، قبل از سن بیست‌سالگی، به انتشار *نامه بانوان* برای آگاهی زنان اقدام کرد. این نشریه مقالاتی درباره حقوق زنان، حجاب، اخبار ملی و بین‌المللی چاپ می‌کرد و همه مقاله‌هایش به قلم زنان بود. شهناز آزاد و همسرش در کنار آزارها، زندان و تبعید، برای چاپ روزنامه‌هایشان با کمبود سرمایه و مشکلات مالی نیز روبه‌رو بودند. شهناز آزاد در شصت‌سالگی در سال ۱۳۴۰ درگذشت.

شهناز آزاد روزنامه‌نگاری را از پدر و شوهرش، ابوالقاسم آزاد، آموخته بود. یک سال پس از انتشار *زبان زنان* در اصفهان، چهارمین روزنامه زنانه را در تهران به سال ۱۳۳۸ ق/ ۱۲۹۹ ش به نام *نامه بانوان* تأسیس کرد که مانند *دانش* [۱۴، ص ۲۸۸؛ ۱۰، ص ۱۱] و *شکوفه*^۱ فقط به مسائل مربوط به جنس خود نمی‌پرداخت، بلکه، همچون *زبان زنان*، حوزه نگارش خود را وسعت داده بود [۲۰، ص ۱؛ ۶، ص ۱۸۶]. وی انتشار این نشریه را در سال ۱۲۹۹ ش، در حالی که فقط نوزده سال داشت، شروع کرد. شماره اول این روزنامه ماهی دو بار با شعار «زنان نخستین آموزگار مردان‌اند» در هشت صفحه به قطع خشتی و با چاپ سربی در مطبعه حکیمیان تهران چاپ می‌شد. زیر عنوان *نامه بانوان* در صفحه اول آن نوشته شده بود: «این روزنامه برای بیداری و رستگاری زنان بیچاره و ستمکش ایران است» [۲۰، ص ۱].

شهناز آزاد در اطلاعیه‌ای که از سوی روزنامه *تجدد* به چاپ رساند، مباحث مورد توجه *نامه بانوان* را چنین اعلام کرد:

۱. مقاله اساسی، ۲. واردات اداری، ۳. مهم‌ترین حوادث داخله و خارجه (به‌خصوص راجع به زنان)، ۴. در هر شماره شرح حال یکی از زنان تاریخی دنیا به پارسی خالص، که در شماره اول

۱. شکوفه یکی از روزنامه‌های قدیمی زنان در تاریخ ایران است. سردبیر آن مریم عمید سمنانی ملقب به مزین‌السلطنه بود و نخستین شماره آن در ۱۹۱۳ چاپ شد. شکوفه دومین نشریه ویژه زنان ایران پس از نشریه *دانش* (۱۲۸۹-۱۲۹۰) به‌شمار می‌رود. شکوفه به صورت دوهفته‌نامه در چهار صفحه (با چاپ سنگی) منتشر و با اشتراک یک‌ساله توزیع می‌شد. شکوفه نخستین نشریه ایرانی بود که کاریکاتورهای انتقادی را در صفحه آخر چاپ می‌کرد. از ویژگی‌های این نشریه می‌توان به لحن طنزآمیز و انتقادی، پرداختن به مسائل زنان ایرانی، تحصیل و آموزش دختران و مسائل سیاسی اشاره کرد [۱۶، ص ۱۳].

نامه بانوان از مخاطبان روزنامه درخواست می‌کند که «اگر کسی در گوشه کنار بانوی دانشمندی را سراغ داشته باشد، سرگذشت او را نوشته برای ما روانه نمایند تا در نامه بانوان بگنجانیم» [۲۰]، ۵. در پاورقی یک رمان اخلاقی، ۶. ورق آخر عبارت خواهد بود از فرهنگ آزاد مؤلفه آقای حاج میرزا ابوالقاسم آزاد از عربی به پارسی خالص و انگلیسی [۱۹، ص ۴].

شهنواز آزاد در باب نامه بانوان و نحوه اشتراک و ارسال مجله به دست خوانندگان خود هشدارهایی به خوانندگان می‌دهد:

۱. تنها این یک شماره برای نمونه فرستاده می‌شود. هر که می‌خواهد، باید وجه اشتراکی بفرستد تا سپس فرستاده شود؛ ۲. درخواست ارسال نامه بانوان اگر با وجه اشتراک توأم نباشد، بی‌جواب و بی‌اثر خواهد ماند؛ ۳. اداره نامه بانوان برای گرفتن وجه اشتراک آدم نخواهد فرستاد. هر که می‌خواهد باید خود روانه نماید؛ ۴. طالبین و طالبات نامه بانوان در ولایات وجه اشتراک خود را برای تجارتنی با پول سفید امانت پست روانه فرمایند؛ ۵. تمام نوشتجات باید به اسم مدیره باشد و مطالب چاپ‌شدنی را در یک روی کاغذ به خط خوانا و آدرس واضح مرقوم فرمایند؛ ۶. در صورت تغییر آدرس باید به اداره خبر داد، والا مسئول نرسیدن روزنامه نخواهیم بود...؛ ۱۸. از عموم علاقه‌مندان به ترقی نسوان خواهشمندیم هر پیشنهادی راجع به اصلاح و پیشرفت نامه بانوان به نظرشان برسد، از نوشتن و ارسال داشتن آن مضایقه نفرمایند؛ ۱۹. احدی را بلا استثنای روزنامه‌مجانانی داده نخواهد شد، مگر آنکه اقلاً پنج نفر خریدار برای نامه بانوان پیدا کند و پولش را گرفته به ما برساند. در این صورت یک سال روزنامه به اسم او مجانی فرستاده خواهد شد [۲۰، ص ۶].

مقاله افتتاحیه نامه بانوان با عنوان «وجوب تعلیم نسوان یا ششصد کرور زنده‌به‌گور» به‌خوبی رسم و سیاق مطالب روزنامه را نشان می‌دهد. بحث تعلیم و تربیت دختران و زنان ایران و اصلاح تفکر عدم حضور زن در اجتماع از عمده مسائل این نشریه بود. یکی از حامیان اصلی شهنواز آزاد در اداره این روزنامه همسرش، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای، بود؛ به‌طوری‌که صدیقه دولت‌آبادی در یکی از شماره‌های زبان زنان در این باره می‌نویسد:

...خواهر گرامی ما بانو شهنواز آزاد یکی از دختران وطن‌پرست ایران است که در دامن پدر دانشمند بزرگوارشان، دانا و برومند و توانا پرورش یافته و خوشبخت‌تر آنکه در رفاقت زندگانی پیمان زناشویی با دانشمند فرزانه آقای حاج میرزا ابوالقاسم خان آزاد، مدیر روزنامه آسایش، بسته و اکنون دو عضو در یک روح برای پیشرفت تجدد کار می‌کنند [۱۵، ص ۲].

این نشریه درست سه روز پس از چاپ اولین شماره آن توقیف شد. دلیل آن، بنا به گفته مراغی، اظهارنظرهای شهنواز آزاد درباره حجاب، خرافه و موهومات است که شهنواز آزاد آن را سوءتفاهم می‌داند [۲۱، ص ۹]. نامه بانوان اما دوباره اجازه انتشار گرفت، به این شرط که موافقت کند در نشریه بنویسد منظور از حجاب، حجاب مورد استفاده زنان نیست [۱۲، ص ۱۲]. بعد از این، نامه بانوان یازده ماه منتشر شد. علت توقیف و تعطیلی این نشریه ادعای تشویق زنان به کشف حجاب از سوی حکومت اعلام شده بود.

مطالبات اجتماعی و فرهنگی زنان در دوره قاجار

۱. اشتراک حقوق، مساوات و برابری

بی‌شک، یکی از مطالبات اصلی زنان مساوات و برابری حقوق آنان با مردان بوده است. در مقالات مختلف *نامه بانوان* به این موضوع اشاره شده که در ممالک اروپایی اساس کارها بر تساوی حقوق زن و مرد بنا شده است. به همین دلیل، *نامه بانوان* مقالاتی درباره زنان خارج از ایران هم چاپ و وضعیت اجتماعی و سیاسی آن‌ها را رصد می‌کرد. این نشریه در شماره ۲ خود گزارشی از بحث‌های صورت‌گرفته در پارلمان سوریه درباره حق رأی زنان چاپ کرده بود. در بخشی از این مقاله آمده بود:

اروپاییان در هر چیز از ما پیش هستند و این عادت ایشان است که زنان را در هیچ چیز از مشارکت با مردان باز نمی‌دارند. نشان بدهید به من دولتی را که این کار را کرده باشد. حضار فریاد می‌زنند جمیع دولت‌ها مانند انگلستان و سوئد و عثمانی. خطیب نه آقایان زنان ما در صدی نود و نه بی‌سواد هستند، اگر ترقی زنان را می‌خواهید، باید اول در ازدیاد مدارس نسوان بکوشید. هر بنایی که براساس متین گذارده نشود، خراب خواهد شد [۲۱، ص ۱].

مناقشاتی که در مجلس مبعوثان سوریه راجع به حق انتخاب زنان به میان آمد و بالاخره هم به جایی نرسید، سبب شد *نامه بانوان* نکاتی درباره حقوق تساوی بین زن و مرد ذکر کند:

... اجتماع انسانی کامل و تمام نمی‌شود مگر با مرد و زن هر دو. زن بدون مرد و مرد بدون زن حیات ندارد و حقوق هر دو آن‌ها مساوی است و هیچ‌یک بر دیگری امتیاز ندارد، الا اینکه برای حفظ نظام گاهی کلیات هر یک از آن‌ها محدود می‌شود تا یکی بر دیگری تعدی ننماید و از این رو قسمت زن از زحمات زندگی بیش از مرد است، زیرا از فرایض زن است تدبیر عائله و ترتیب خانه و اهتمام به تربیت فرزندان که مردان آینده هستند و تنها برعهده زن است حفظ نظام دایره خانه که درحقیقت مملکت مستقل کوچکی است. پس این عضو مهم در جسم هیئت اجتماعیه آیا حق ندارد رأی خود را در انتخابات عمومیه بدهد؟ پس کسی که به او حق اظهار رأی در کیفیت تربیت بچه، که در بزرگی مرد صاحب حق انتخاب خواهد گردید، داده شد... [۲۲، ص ۵۴].

در ایران هم، پیروزی انقلاب مشروطه عملاً هیچ موفقیت ویژه‌ای را برای زنان به همراه نداشت. امتیازات و حقوق زنان نسبت به گذشته تغییری نکرد. قانون اساسی مشروطه حق و حقوق خاصی برای زنان در نظر نگرفت [۳، ص ۱۲۷]. این امر خودبه‌خود زنان را به عکس‌العمل واداشت. از این زمان به بعد، با نام‌های مختلفی از انجمن‌ها و جمعیت‌های زنان طرفدار حقوق زنان روبه‌رو می‌شویم. *نامه بانوان* هم به این امر واکنش‌هایی نشان داده بود. البته ناگفته نماند خواسته‌های نشریات زنان، از جمله *نامه بانوان*، درباره حقوق زنان از جایگاه و حقوق زن در جوامع مدرن غربی الگوبرداری شده بود؛ مثلاً، در باب حقوق سیاسی و مدنی زنان در کشورهای اروپایی می‌نویسد:

در ۱۴ مملکت حقوق سیاسی و مدنی طبقهٔ نسوان تحصیل شده و زنان آن ممالک در انتخابات اعم از انتخاب کردن و انتخاب شدن مشارکت دارند و در بسیاری از این ممالک هم‌اکنون عدهٔ کثیری از نسوان عالییه و سیاسی در کرسی‌های مجلس‌های ملی خود جلوس نموده‌اند و در اسورات مملکتی و حکومت خودشان صاحب نفوذ و دخالت می‌باشند. بنابراین، حضور زنانی که در این کنگره به نمایندگی رسماً از جانب مملکت‌ها و دولت‌های خود آمده‌اند و غالب از آنها از اعضای دولت بوده و دارای مشاغل عالییه می‌باشند دارای تأثیرات بزرگ تاریخی است که مثل و نظیر آن در ادوار سابقه دیده نشده است [۲۲، ص ۱۶].

نامهٔ بانوان علت پایمال شدن حقوق زنان به دست مردان را ناآگاهی زنان از حقوق شرعی خود می‌دانستند و حتی از زبان برخی مردان خطاب به زنان می‌نوشتند:

ای خانم‌های بی‌مربی، بدانید و آگاه باشید در شریعت اسلام مرد به غیر از حق مضاجعت ابداً و مطلقاً هیچ حق دیگری به زن ندارد. حتی زن اگر بخواهد اولاد خود را شیر نهد یا اجرت شیردادن از شوهر مطالبه کند، حق دارد؛ چون زن و اولاد هر دو واجب‌النفقةٔ مرد هستند و زن ملزم نیست مجاناً و بالعوض شیر به فرزند، که واجب‌النفقةٔ مادر خود نیست، بدهد. وجهاً من الوجوه مرد حق فرمان دادن به زن و به زحمت او را واداشتن حتی اداره کردن خانه و آب و جاروب کردن و گوشت پختن و لباس شستن و چای طبخ کردن و سایر کارهای دیگر خانه را هم ندارد تا چه رسد به تحکم کردن یا توسری زدن یا اذیت کردن او [۲۲، ص ۷ و ۸].

همچنین، در جایی دیگر به اهمیت زن در تاریخ ایران باستان اشاره می‌کند:

یکی از جهات عمدهٔ ترقی تمدن فرس قدیم شناختن حقوق نسوان و اشتراک زنان در امور زندگی شخصی و اجتماعی ایرانیان باستان بود و وجود نسوان را خیلی تقدیر می‌کردند. حسن اخلاق و مراتب عالییه زنان و مردان فرس قدیم نزد ارباب تاریخ مشهود است. در یکی از نمازهای مخصوص فرس قدیم، که معروف به فروردین یشت می‌باشد، در ستایش نسوان است و چون همین ترتیب در میان وراث حقیقی پارسیان باستان، یعنی زردشتیان هند، رواج دارد، مقام اجتماعی این گروه در هند ضرب‌المثل می‌باشد [۲۳، ص ۴].

نامهٔ بانوان اشاره می‌کند که در ممالک اروپایی چون کارها براساس تساوی حقوق بین زن و مرد بنیان نهاده شده است، زنان به دلیل برخوردارگی از تعلیم و تربیت صحیح و حقوق مساوی ترقی و پیشرفت زیادی داشته‌اند. این در حالی است که:

... ملت ایران، کاملاً برعکس سایر ملل، در صدی نود و نه بلکه بیشتر بی‌سواد هستند و از آن صد یک هم که باسواد هستند، در صدی یک نفرشان دارای معلومات عالییه نیستند. پس ملتی که جهل و نادانی‌اش به این درجه باشد، از او چشم نیکی داشتن خود را فریب دانست. پس باید درست فهمید که علت بی‌علمی تودهٔ ملت چیست. به عقیدهٔ ما، علتش همانا عدم تبعیت به فرمایش حضرت ختمی مرتبت که فرمود «طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه» یا اقلای پیروی به ملل متمدنه مثل آلمان، فرانس و انگلستان و غیره که ببینند چگونه زن و مرد را یکسان تربیت و تعلیم می‌نمایند [۲۳، ص ۲].

۲. ازدواج و تشکیل خانواده

نامه بانوان در مقالاتی به مسئله ازدواج و تشکیل خانواده می‌پردازد. در این مقالات، اشاره شده است که زن و مرد باید مثل یکدیگر باشند. همچنین زنان باید توجه بیشتری به امر ازدواج داشته باشند و با دقت و تفکر شوهر آینده خود را انتخاب کنند. این نشریه یکی از مصائب اجتماعی و دردهای بی‌پایان عمومی جامعه ایرانی را همانا سوء جریان تأهل و تزویج می‌داند، زیرا برخلاف عقل و خرد و معمول ممالک متمدنه، که درباره آن به تحقیق و مطالعه می‌پردازند، آن را مانند سایر قضایای عادی و سطحی به سهل‌انگاری گرفته و «با آلت ملعبه و بازیچه هوسات خود قرار داده، اظهارات اقوام و عشیره و تمجیدات خانواده و آشنایان را در طرز و ترتیب وصلت بر عقل و احساسات خود ترجیح و غلبه داده و در نتیجه بدون آنکه طرفین یعنی زوج و زوجه حقیقی شخصاً از عادات و اخلاق و احساسات یکدیگر کمترین اطلاع و کوچک‌ترین سابقه داشته باشند، مانند دو بیگانه که وحدت هیچ‌گونه عواطف در آن‌ها وجود ندارد، در تحت عنوان زن و شوهر قرار می‌گیرند...» [۲۹، ص ۲].

همچنین، یحیی دولت‌آبادی در مقاله‌ای که نشریه نامه بانوان به چاپ رساند، به تشکیل خانواده اشاره دارد. وی معتقد است حسن تشکیل خانواده یکی از مسائل مهم، بلکه مهم‌ترین مسئله اجتماعی است. وی اشاره می‌کند که کدام مسئله می‌تواند مهم‌تر باشد از آنچه پایه و مایه، ریشه و اساس اجتماعات و تشکیلات عالم بشری است. دولت‌آبادی سعادت‌مندترین ملل عالم را ملتی می‌داند که تشکیل خانوادگی در آن پسندیده‌تر بوده باشد. به همین دلیل است که در این عصر روشن در ملت‌های زبده سهم مهمی از افکار دانشمندان بزرگ آن‌ها در راه تکمیل اساس تشکیلات خانوادگی به کار برده می‌شود. دولت‌آبادی درباره اهمیت تشکیل خانواده می‌نویسد:

... خانواده‌ها افراد مجموعه ملت‌اند. وقتی در خانواده‌ها یگانگی، اتحاد، عشق، محبت و حقیقت نباشد، چگونه در آن قوم و در آن ملت که مرکب از آن افراد است انتظار این خصلت‌های عالی را داشته باشیم. قدمی پیش رفته به اصل مقصد نزدیک‌تر شده خوانندگان را چندان در مقدمه معطل ننماییم. خانواده باید نیکو تشکیل شود. خانواده باید با یگانگی و اتحاد واقعی با محبت و عشق حقیقی با دوستداری قلبی و جانی صورت حصول پذیرفته رنگ خانوادگی بگیرد تا نمره و نتیجه آن بتواند سرمایه بر سعادت ملت بیفزاید و روان قومیت و ملیت را مددی برساند [۳۰، ص ۴].

وی نزدیک‌ترین راه برای پیمودن این مرحله را، که خطرناک‌ترین مرحله عالم اجتماعی است، حسن تشکیل خانواده می‌داند.

بدیهی است که حسن تشکیل خانواده فرع نیکویی طرح اساسی زناشویی است. از نقطه نظر طبیعی و اخلاقی و نیکویی طرح این اساس موکول است به شناسایی حقیقی مبانی دو نوع مختلف که می‌خواهند در این مرحله دست یگانگی به یکدیگر داده، سرمایه عمر خود را روی

هم ریخته، تأسیس شرکت زندگانی نموده، قدم در عرصه سعادت خانوادگی بگذارند... [۳۰، ص ۵].

۳. حجاب

شاید بتوان عنوان کرد که یکی از موارد آغازین حضور عمومی زنان در بحث مربوط به حجاب به نامه بانوان برمی گردد. او در دو شماره اول این نشریه با مقاله‌ای تحت عنوان «کفن سیاه» و شعرهای عشقی، آشکارا از کشف حجاب جانبداری می‌کرد. کفن سیاه همان شعر مشهور میرزاده عشقی است با نام «کفن سیاه یا شاهزاده خانم خسرو پرویز در خرابه‌های مداین» که یکی از متون ادبی مهم ضد حجابی است که در نامه بانوان به چاپ رسید [۲۰، ص ۷]. همچنین، سرمقاله نخستین شماره نامه بانوان پرسش‌های انتقادی را در زمینه حجاب مطرح کرده بود:

و جوب تعلیم نسوان یا ششصد کرور زنده‌به‌گور، به گفتن آسان است و تصورش خارج از امکان! آیا در همه روی زمین یک تن پیدا می‌شود که بتواند این عدد را در مد نظر داشته باشد؟ ... آیا سنگدلی در جهان هست که ببیند سیصد میلیون پشه زنده‌به‌گور است، دلش ریش نگردهد؟ ... آیا یک نفر ذی‌شعور و آگاه هست که بگوید مسلمانان زنده‌به‌گور نیستند؟ ... آن عبارت است از حجاب موهومات و قیده‌های کهنه‌پرستی [۲۰، ص ۵ تا ۱۵].

در سرمقاله شماره سوم بر این نکته تأکید کرد که منظورش از حجاب فقط پوشش خرافه‌گرایی، جهالت و سنت‌پرستی بوده و هیچ‌گاه منظورش چادر و روبنده نبوده است؛ و اظهار داشت که پیام او به طرفداران حق رأی زنان و کشف حجاب این است که تا زمانی که زنان تحصیل نکرده‌اند، چنین آزادی‌هایی مضر خواهد بود [۱۱، ش ۴۴].

همچنین، در این شماره دیگر خبری از شعرهای عشقی نبود. البته استفاده از این حسن تعبیر، یعنی برطرف کردن حجاب خرافات، آن قدرها هم بی‌گناها نه نبود. بدون این تعبیر، در نشریه جهان زنان نیز استفاده شده بود. سردبیر این نشریه، یعنی فخر آفاق پارسا، با صراحت چنین نوشت که: «زنان هنوز حق انتخاب لباس خود را ندارند... آن‌ها هنوز هم از حق استنشاق هوای تازه و آزادی محروم‌اند.» این در واقع عقب‌نشینی تاکتیکی بود [۱۱].

شهناز آزاد و همسرش، ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای، بیشتر تلاش خود را صرف بحث‌ها و فعالیت‌های مربوط به زنان می‌کردند. از جمله رفع بی‌سوادی از ایشان و در نهایت مسئله رفع حجاب که به منزله مانعی در سر راه تعلیم و تربیت نسوان تبلیغ می‌کردند. نشریه در تبلیغ آرای خود برای رفع موانع پیشرفت زنان و نقد برخی احکام و باورهای اعتقادی گاه چنان دچار افراط و اغراق و داستان‌پردازی می‌شد که با عکس‌العمل‌های سخت حکومتیان، که چندان هم پایبندی مذهبی نداشتند، روبه‌رو بود و با عنوان کردن کفن سیاه در لفافه پنهان‌ماندن زنان از حضور اجتماعی، که تلویحاً همان حجاب را القا می‌کرد، به بحث‌های مربوط به حجاب‌برداری

رنگ علنی تری بخشید، ولی با عکس‌العمل‌های سختی مواجه شد (همچون توقیف روزنامه و تحریم و محکومیت صاحب آن) که در پی آن‌ها گاه گفتار خود را اصلاح می‌نمود. مثلاً، در شماره دوم نشریه، علت توقیف آن را این‌گونه ذکر می‌کند:

مطلبی با عنوان یک دختر ناکام و توضیح این خبر که به نظر غیرواقعی می‌آید، حتی با حال‌وهوای آن روز ایران- خبر درباره دختری هشت‌ساله است که در محله امامزاده یحیی زندگی می‌کند. وی روزه می‌گیرد و به دلیل عطش زیاد از تشنگی می‌میرد و در پایان درج این خبر، نتیجه می‌گیرد: «این است یکی از مضرات عدم تعلیم نسوان» [۲۱، ص ۱۹].

و در شماره سوم برای توضیح منظور خود از حجاب و لزوم برداشتن آن، می‌نویسد:

سوء تفاهم یا منتهای بدبختی. حجاب موهومات و قیده‌های کهنه‌پرستی.

یا

... لفظ حجاب را در اینجا با وجود اضافه به سوی موهومات و تأکید با قیده‌های کهنه‌پرستی، تأویل به چادر و روبند زنان کرده و چنان وانمود می‌نمایند که مخالف این حجاب هستیم و حال آنکه مقصود ما روبند زنان نبوده، بلکه بالصراحه گفتیم که موهومات و قیده‌های کهنه‌پرستی ششصد کرور مسلمین را از زن و مرد به این روز سیاه نشانیده است، که اکنون یک وجب خاک برای آن‌ها باقی نمانده. ما گفتیم زنان هم انسان هستند. زنان هم از جنس بشر می‌باشند. زنان هم حقوقی دارند. زنان تعلیم‌یافته می‌توانند امهات رجال گردند. فرزندان وطن‌پرست بپروانند [۲۲، ص ۱].

۴. کار زنان

شهناز آزاد، مانند بسیاری از زنان دیگر، به مطالبات اجتماعی زنان توجه خاصی داشت. انگیزه عمده بانوان بیش از آنکه اقتصادی باشد، اجتماعی بود. آنان بر این باور بودند که زنان بی‌بضاعت یا کسانی که طلاق گرفته‌اند یا به هر صورتی بدون شوهر زندگی می‌کنند، باید برای مصون ماندن از آسیب‌های اجتماعی شغلی می‌داشتند.

ای وای بر این رجال که از کردار زشت و رفتار نکوهیده خود دست برنمی‌دارند و از خراب‌کاری‌های گذشته پشیمان نمی‌شوند. واقعاً عجب امتحانی دادند که هر انسان حقیقت‌پرستی را متأثر و متألّم می‌سازد و باز هم به خرافات و موهومات عهد دقیانوس قائل و حاضر نمی‌شوند که زنان با آنان در کارهای اجتماعی شرکت و در امورات سیاسی دخالت داشته باشند... دیگر از صفات حسنه که در نسوان موجود است آن صبر و تحمل در مشقات و مشکلات زندگانی است و از برای اثبات این مسئله زاییدن و بزرگ‌کردن اطفال و پرستاری کودکان خود بهترین دلیل برهان است و اگر شخص مدعی شود و برخلاف این مدعا اظهار دارد، به کمال ادب به ایشان عرض می‌کنیم که هرگاه مسئله غیر از این است، خوب است قدم رنجه فرموده در میدان آزمایش و امتحان درآیید تا سیه‌روی شوید [۲۷، ص ۳].

نویسنده توصیه می‌کند که مردان تساوی و برابر بودن حقوق را در همه‌چیز قبول کنند و از این به بعد حاضر شوند که زنان در کارها با مردان شرکت و دخالت کنند و «مخصوصاً پیشنهاد

می‌کنم که در پارلمان‌های عالم نمایندگان زنان باید بیشتر از نمایندگان مردان باشد و یا لااقل برابر و مساوی باشند تا مردان بی‌رحم و مروت نتوانند عوض وضع قوانین برای راحتی و آسایش نوع و تساوی بودن حقوق جمیع افراد در مقابل آن به تدوین قوانین جنگی بپردازند» [۲۷، ص ۴].

این مسئله در واقع بر دوش اهالی نجیب این مملکت یک بار مذلت و ننگ است. سبب اصلی این رذالت و ننگ چیست؟... آنچه شیران را گند روبه، مزاج احتیاج است، احتیاج است، احتیاج. چرا؟ به دلیل آنکه برای کسب معاش به زنان فقط دو نوع صنعت را تجویز نموده‌اند که صنعت رسمی شده؛ یکی تکدی، دیگری تجارت و مبیعه با ناموس خودشان. جز این به نسوان ایران صنعتی برای کسب معاش نیست. البته این بدبختان باسائقه بی‌چیزی مرتکب این قبیل اعمال ناشایست می‌شوند. چرا باید خانم‌های ایرانی حقوق، طب، ادبیات و سایر علوم تحصیل نکنند. فلان طبیبه یا قابله یا دندان‌ساز خانم‌های اروپایی که در دارالفنون‌های اروپایی تحصیل نموده‌اند در سایه علم و صنعت خودشان در ایران روزی پنجاه تومان دخل دارند. ولی اولاد ایران باید گدایی کنند چون که جاهل‌اند، بی‌علم‌اند، از هیئت اجتماعی دورند برای نسوان ایران اجتماعات... و اسباب همه نوع کمال معرفت ممنوع و راه ترقی مسدود است [۲۸، ص ۴].

نشریه نامه بانوان پیشنهاد می‌دهد برای جلوگیری از فواحش و فقر عمومی، دولت باید به فوریت چند باب کارخانه برای زن‌ها تأسیس و همه فواحش را مجبور به دخول در آن کارخانه‌ها بنماید. از نظر این نشریه، فایده تأسیس این کارخانه‌ها نه تنها تقلیل فواحش و تأمین حیات و ناموس ملت است، بلکه خیلی فواید دیگر دارد که لازم به نوشتن نیست. از آن جمله رسیدن پول زیادی است از این کارخانه‌ها به خزانه دولت [۲۹، ص ۱].

مجله نامه بانوان در پیشنهادهایی که به هیئت دولت می‌دهد یک بند آن در مورد کار زنان ذکر شده است. تهیه کارخانجات سهل‌المعونه مناسب برای زنان تا جلوگیری کند از مجبور شدن زنان بی‌کس به فاحشه‌شدن [۳۱، ص ۱]. وی می‌افزاید که تشویق و ترغیب ملت به امتعه داخله به این تدبیر که اول خود وزرا و اشراف آن‌ها را در منازل خود معمول دارند [۳۱، ص ۲].

همچنین، شهناز آزاد در مقاله‌ای که در روزنامه شکوفه به چاپ رساند، بر اهمیت و حمایت از تولیدات داخلی تأکید دارد. وی اشاره دارد که در این روزگار سیاه، زنان باید آگاه شوند و با استعمال کردن کالاهای خارجی ایران را ویران نسازند. اگر مردان و بزرگان در فکر مملکت نیستند، زنان نباید در بی‌حسی پیرو آنان باشند. وی اشاره می‌کند که این حس را باید در روزنامه‌ها نوشته و در مجلس تمام بانوان را در اقدام به مصالح کشور هم‌دست و هم‌فکر کنند [۱۸، ص ۶].

۵. تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت و علل اهمیت آن و همچنین ضرورت گسترش آن بین بانوان از موضوعات اصلی نشریه نامه بانوان بود که همراه با طرح مسائلی همچون مدارس نسوان، لزوم تعلیم و تربیت

زنان و... بود که به دلایلی نمی‌توانستند در امر تعلیم و تربیت از حقوق مساوی نسبت به مردان برخوردار باشند. مسئله تعلیم و تربیت زنان در این دوره یکی از مسائلی بود که مخالفان و موافقانی به همراه داشت. آموزش زنان از نظر بسیاری از هواداران اصلاحات جزئی از ترقی و نشانه مدرن‌سازی به حساب می‌آمد و مخالفان هم آن را نماد بی‌قانونی ایران تلقی می‌کردند. دگرگونی‌های فرهنگی و اجتماعی بر اثر تقابل سنت و مدرنیته در دوره قاجار باعث ایجاد نظام آموزشی نوین و تغییر در نظام سنتی مکتب‌خانه‌ای شد. با تلاش زنان آگاه، در چارچوب فعالیت‌های انجمن‌ها و احزاب، در ابتدا با تأسیس مدارس جدید شرایط مساعدی برای آگاهی زنان و توسعه تعلیم و تربیت آن‌ها فراهم شد. همچنین، نشریات زنانه نقش اساسی در بیداری زن ایرانی ایفا می‌کردند.

یکی از مقولات اصلی مورد علاقه نشریات بانوان تأکید بر لزوم تعلیم و تربیت زنان به‌عنوان همسر و مادران آینده بود که ایشان خود متقبل تربیت فرزندان و تأثیرگذار در رفتار مردان خواهند بود. برای نمونه روزنامه شکوفه درباره اهمیت این امر می‌نویسد:

... در مملکتی که مادرهای آنجا با تربیت باشد، دزدی نمی‌شود، وطن‌فروشی و خیانت به مال وجود ندارد، بدبختی نخواهد ماند، فقر عمومی از میان مرتفع خواهد شد... [۱۷، ص ۲۲ و ۲۳].

نشریه نامه بانوان به اهمیت تعلیم و تربیت برای زنان اشاره می‌کرد. در این نشریه، زنان اندیشه‌ها و خواسته‌های خود را از حکومت و اجتماع، به اشکال مختلف، بیان می‌کردند. در واقع، مسئله آموزش و تعلیم زنان از موضوعات اصلی این نشریه بود. یکی از موضوعات مهم در باب تعلیم و تربیت زنان، مقایسه وضعیت تعلیم و تربیت زنان اروپا و ممالک شرق است که در نشریه نامه بانوان به‌وضوح دیده می‌شود. این نشریه متذکر می‌شود که تربیت زنان و دختران در ممالک اروپایی از امور مهم محسوب می‌شود، اما در آسیا، به جز ژاپن، این امر بسیار سهل‌انگاری شده است. همچنین، اهمیتی که به تعلیم پسران می‌دهند، هرچند ناقص است، نسبت به دختران بیشتر است.

این نشریه اساس انقلاب اجتماعی را تربیت زنان می‌دانست. در یکی از مقالاتی که به قلم همسر آقای جمال‌زاده در روزنامه کوه نوشته و در نشریه نامه بانوان درج شده بود، به بحث تأسیس مدارس و تربیت زنان بسیار توجه شده بود. در بخشی از این مقاله آمده است:

اخیراً شنیده شد که مدرسه‌های زنانه در طهران خیلی توسعه یافته و اکنون قریب پنج هزار دختر در آن به طرز جدید مشغول درس خواندن هستند. این خبر اسباب شادمانی فراوان برای این‌جانب گردید. چه خبر مذکور حاکی است بر اینکه بالاخره خواهران ایرانی من شرافت خود را دریافته، دارند بیدار می‌شوند و در کار برطرف ساختن سستی و بطلاتی هستند که قرن‌های متمادی به‌واسطه زور عادت و موهومات بدان گرفتار بودند... [۲۴، ص ۱].

نویسنده مقاله اشاره می‌کند که در آسیا، ژاپن در مسئله ترقی و تربیت زنان پیشرو قافله

است و حتی در توکیو، که پایتخت آن است، یک دارالفنون برای زن‌ها تأسیس شده بود که در تمام آسیا دومی ندارد. وی در پایان آرزو می‌کند:

... ای کاش خواهران ایرانی ما نصیحت خالصانه ما زن‌های فرنگی‌نژاد را که خوشبختانه، خاکی که در آن تولد یافته‌ایم و هم‌وطنان ما سعادت آزادی و تربیت را از ما دریغ نداشته‌اند به حسن نیت و صفا پذیرفته و با افرادی که از ما، داخل تابعیت ایران شده و یا قلباً خود را ایرانی حس می‌کنند و دلسوزی به آن خاک شریف دارند اجازه می‌دادند که دست خواهرانه به سوی آن‌ها دراز کنیم. ژزی خانم [۲۴، ص ۵۱].

یا در جایی دیگر در باب مدارس و اهمیت تحصیل می‌نویسد:

بالشویک‌ها مبارزه حیرت‌انگیزی با بی‌سوادی دارند، مثلاً در یک شهر قازان صد و شصت و هشت باب مدرسه مجانی تأسیس و بیست و هفت هزار و سیصد و پنجاه نفر کارگر بی‌سوادی را مجبور به آموختن نوشتن و خواندن می‌کنند [۲۰، ص ۵].

نامه بانوان در ستون‌های خود قسمتی تحت عنوان «از واردات اداری» داشت که مقالات ارسالی به دفتر نشریه در آن به چاپ می‌رسید. در یکی از این نامه‌ها، مقاله‌ای به قلم یکی از زنان ایرانی نگاشته شد و در آن از وضعیت بد و محدودیت‌های زن ایرانی به شدت گلایه کرد. وی در این مقاله می‌نویسد:

ما زنان ایران، چنان‌که در سرمقاله خود مرقوم فرموده‌اید، خیلی بدبخت هستیم؛ چون کارهای خوب یعنی تعلیم و تعلم و نوشتن و خواندن را به ما یاد نداده‌اند. ناچار وقت گران‌بهای خود را صرف کارهای بیهوده بلکه مضر می‌نماییم. مثلاً جادو، رمال، فالگیر... [۲۱، ص ۴].

این است که چندی قبل در استقبال قطعه آقای ملک‌الشعرا، قطعه ذیل را گفته، فرستادم در روزنامه ایران و جارچی ملت درج شد:

تعلیم زنان اگر نباشد هر کار کنی ثمر نباشد

تعلیم زنان یگانه چاره است در نزد کسی که... نباشد [۲۱].

۶. بهداشت فردی و اجتماعی

از موضوعاتی که نویسندگان مقالات روزنامه‌ها بسیار به آن می‌پرداختند، توجه به بهداشت فردی و اجتماعی بود. در این میان، گاه نویسنده فرصت می‌یافت تا با لحن انتقادی از برخوردهایی که اجتماع مردانه با جماعت خانم‌ها داشت یاد کند و نیز زیان‌های بی‌توجهی به سلامت و بهداشت زنان را، که به دلیل شرایط و ویژگی‌های طبیعی خود بسیار از مردان آسیب‌پذیرند، گوشزد کند.

در مقاله‌ای درباره بهداشت فردی ایرانی‌ها می‌نویسد:

اکنون می‌بینیم و همه اعتراف داریم که هم افراد ما ایرانیان از حیث مزاج مبتلای انواع و اقسام بیماری‌ها هستیم به قسمی که در هزاری یک نفر تندرست و سرخ و سفید نیستیم و حال آنکه آب‌وهوای ایران از تمام ممالک دیگر بهتر است. و هم هیئت اجتماعی ما از حیث

سیاست و اقتصاد و غیره. باید فکر کنیم و ببینیم که چرا ما مزاجاً و روحاً از اوج افلاک به حضيض خاک فرود آمده‌ایم [۲۳، ص ۱].

این مقاله علت این امر را عدم تعلیم زنان عنوان می‌کند:

... در اینجا تعلیم‌یافته بودن مادر بیشتر لازم است تا بچه را از تهاجم هزاران مایه پریشانی محفوظ دارد. مانند مواظبت به شیر خودش و عادت داده به بعضی چیزهای مفید... حال باید دید که آیا در ایران مادرها ممکن است اگر دائماً ممکن نشود، اقلأً اغلب خرم باشند؟ اول شرط شادی و خرمی موافقت بین زن و شوهر است.

نویسنده مقاله اشاره می‌کند حتی آن مادری که گهواره بچه‌اش را تکان می‌دهد و برای بچه خود کلماتی بر زبان جاری می‌سازد تا او را آرام کند، باید تعلیم‌یافته باشد. در میان زنان، رسم است که گهواره را جنبانده چیزهایی را می‌خوانند تا بچه خوابش ببرد. آیا تأثیرات چیزهایی که مادر تعلیم‌یافته با مادر تعلیم‌نیافته می‌خوانند یکسان است؟ در اینجا متذکر می‌شود به مثلی انگلیسی که می‌گوید: «دستی که گهواره را می‌جنباند، به دنیا سلطنت می‌کند» [۲۳، ص ۲].

یکی از مقالات تأمل‌برانگیز این نشریه مقاله‌ای در باب بهداشت فردی بود. در ایران معمول است برای آرام‌گرفتن و خواب‌رفتن بچه‌های شیرخوار، مادرها به آن‌ها تریاک می‌دهند. نامه بانوان اشاره می‌کند که این کار بسیار زیان‌آور است. وی خطاب به مادران ایرانی می‌گوید:

از شروع عمر، شما اولاد خود را تریاکی می‌کنید. بعد از اینکه اطفال بزرگ شوند، از اثر تریاک قوای جسمانی و روحانی آن‌ها به کلی صدمه یافته است [۲۶، ص ۴]. ... اگر در تربیت اطفال خود متوسل به راه‌های صحیح و طرق علمی شوید و یا این قواعد رفتار کنید، بچه‌های خوب و صحت‌مندی خواهید داشت که در آتیه زن و مردهای قوی کارآمد می‌شوند [۲۶، ص ۵].

نتیجه‌گیری

فضای سیاسی و فرهنگی ایران پس از انقلاب مشروطه امکان خودنمایی به برخی از جریان‌ها را داد. مانند مسئله زن و مطالبات زنان، استفاده از اندیشه‌های نخبگان و روشن‌فکران و نیز تجربه جنبش زنان در غرب مبنایی برای توسعه فکری زنان برای ارائه مطالبشان بود. یکی از ابزارهای لازم برای تحقق بخشیدن به این امر تأسیس روزنامه و انجمن بود. مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی زنان را، که در نشریاتی همچون *نامه بانوان* انعکاس می‌یافت، می‌توان در دسترسی برابر به آموزش جدید، بهبود شرایط بهداشتی، تأکید بر نقش مادری، ارائه الگوهایی برای خانه‌داری مدرن و مشارکت سیاسی خلاصه کرد. این نشریه با انتشار مقالاتی در مورد مشارکت و فعالیت‌های زنان جوامع دیگر، زمینه روشنگری و بیداری زنان ایرانی را فراهم می‌کرد. این نشریه بر آن بود که با انجام دادن اقدامات آموزشی و توسعه مدارس و تعلیم و تربیت زنان زمینه حضور زنان را در عرصه‌های مختلف جامعه فراهم کند.

منابع

- [۱] آبادیان، حسین؛ پرویش، محسن (۱۳۹۳). «باستان‌گرایی در اندیشه و آثار ابوالقاسم آزاد مراغه‌ای»، فصل‌نامه مطالعات علوم تاریخی خوارزمی، ص ۱-۳۰
- [۲] بامداد، بدرالملوک (۱۳۴۸). *زنان ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید*، ج ۱، تهران: جاویدان.
- [۳] خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۱). *هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی*، تهران: پیام امروز.
- [۴] رشیدی، شمس‌الدین (۱۳۶۲). *سوانح عمر*، تهران: نشر تاریخ ایران.
- [۵] ساناساریان، الیز (۱۳۸۴). «جنبش حقوق زنان در ایران»، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران: اختران.
- [۶] صدراهاشمی، محمد (۱۳۶۴). *تاریخ جراید و مجلات ایران*، اصفهان: کمال.
- [۷] کسروی، احمد (۱۳۷۰). *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: امیرکبیر.
- [۸] ملک‌زاده، مهدی (۱۳۵۱). *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، ج ۳، تهران: ابن‌سینا.
- [۹] ناظم‌الدوله، میرزا ملکم‌خان، *روزنامه قانون*، ش ۷، ص ۳.
- [۱۰] ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۰). *زنان ایران در جنبش مشروطه*، تبریز: احیا.
- [۱۱] نجم‌آبادی، افسانه. «اقتدار و نمایندگی: بازبینی فعالیت‌های زنان در دوره حکومت رضا شاه»، نشریه گفت‌وگو، ش ۴۴.
- [۱۲] آزاد مراغی، ابوالقاسم (۱۳۲۳). *مجله بانو*، س ۱، ش ۲، دی ماه، ص ۱۲.
- [۱۳] تمدن، س اول، ش ۱۲، ۷ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ قمری، «مکتوبات یکی از مخدرات».
- [۱۴] دانش، س اول، ش ۱، ۱۳۲۸ ق، ص ۲۸۸.
- [۱۵] *زبان زنان*، س ۲، ش ۱۳، شوال ۱۳۳۸، ص ۲.
- [۱۶] *شکوفه*، س اول، ش ۴، ۱۳۳۱ ق، ص ۱۳.
- [۱۷] *شکوفه*، س اول، ش ۶، ۱۳۳۱ ق، ص ۲۲-۲۳.
- [۱۸] *شکوفه*، س ۴، ش ۶، نوزدهم ربیع‌الثانی ۱۳۳۴، ص ۶.
- [۱۹] آزاد، شهناز (۱۲۹۹). *نامه بانوان*، تجدد، س ۳، ش ۶۰، ۱۸ سرطان، ص ۴.
- [۲۰] *نامه بانوان*، ش ۱، جمعه ۱ اسد ۱۲۹۹، ص ۱.
- [۲۱] *نامه بانوان*، ش ۲، دوشنبه ۲۵ اسد ۱۲۹۹، ص ۴.
- [۲۲] *نامه بانوان*، ش ۳، شنبه ۱۲ سنبله ۱۲۹۹، ص ۶.
- [۲۳] *نامه بانوان*، ش ۴، دوشنبه ۲۷ سنبله ۱۲۹۹، ص ۴.
- [۲۴] *نامه بانوان*، ش ۵، دوشنبه ۱۹ میزان ۱۲۹۹، ص ۱-۵.
- [۲۵] *نامه بانوان*، ش ۷، جمعه ۲۴ جدی ۱۲۹۹، ص ۳.
- [۲۶] *نامه بانوان*، ش ۸، جمعه ۹ دلو ۱۲۹۹، ص ۴.
- [۲۷] *نامه بانوان*، ش ۹، دوشنبه ۲۵ دلو ۱۲۹۹، ص ۳.
- [۲۸] *نامه بانوان*، ش ۱۰، جمعه ۲۸ حوت ۱۲۹۹، ص ۴.
- [۲۹] *نامه بانوان*، ش ۱۱، دوشنبه ۲۲ حمل ۱۳۰۰، ص ۱.
- [۳۰] *نامه بانوان*، ش ۱۲، دوشنبه ۱۹ ثور ۱۳۰۰، ص ۴.
- [۳۱] *نامه بانوان*، ش ۱۳، یکشنبه ۲۲ جوزای ۱۳۰۰، ص ۱.